



Original Paper

Article History:
Received: 2 April 2024
Revised: 7 May 2024
Accepted: 11 June 2024
Published Online: 21 June 2024

The Rise or Fall of the Political and Social Dignity of Iranians in the Nuclear Issue of Iran with Emphasis on the Preamble of JCPOA

Mohammad Reza Farokhyzadeh¹, Zeinab Poorkhaghan Shahrezaee² (Corresponding Author)

1. Department of International Law, Isfahan Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

2. Department of International Law, Isfahan Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

E-Mail: poorkhaghan@gmail.com

Abstract

The peaceful use of atomic energy is acknowledged in the fundamental principles of international law. Article 4 of the NPT grants member states the right to research, produce, and utilize atomic energy for peaceful purposes without discrimination, in line with Articles 1 and 2 of the Treaty. This right to peaceful atomic energy must be applied "without discrimination." Article 4 is crucial as it legitimizes uranium enrichment and the production of sensitive nuclear fuel, affirming member countries' rights to enrich uranium, reprocess, and produce nuclear fuel. In this research, the author examines Article 4 of the NPT and discusses the provisions of the JCPOA, which outline the duties, obligations, and limitations of the Islamic Republic of Iran regarding nuclear development. The analysis of Article 4 and the JCPOA reveals notable ambiguities and contradictions in the application of Article 4's provisions concerning Iran, raising concerns about the credibility and socio-political dignity of the Iranian people. This research will adopt an analytical and descriptive approach.

Keywords: JCPOA, Iran's nuclear case, International Atomic Energy Agency, Security Council, Article 4 of NPT and political dignity of Iranians.

Citation: Farokhyzadeh, M.R.; Poorkhaghan Shahrezaei, Z. (2024). The Rise or Fall of the Political and Social Dignity of Iranians in the Nuclear Issue of Iran with Emphasis on the Preamble of JCPOA. Journal of Islamic Wisdom and Law, 1 (1), 68-84. Doi: 10.71844/iwl.2024.1186165

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to Journal of Islamic Wisdom and Law. This is an open – access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.





دوفصلنامه حکمت اسلامی و حقوق
ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد
دوره ۱، شماره ۱، بهار - تابستان ۱۴۰۳
شاپا الکترونیکی: ۳۰۹۲-۶۶۵۳
Sanad.iau.ir/journal/iwl
Doi: 10.71844/iwl.2024.1186165



مقاله پژوهشی

تاریخچه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۱۴

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۲/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۲

تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۴/۰۱

فراز یا فرود کرامت سیاسی، اجتماعی ایرانیان در موضوع اتمی ایران با تاکید بر دیباچه برجام

محمدرضا فرخی زاده^۱، زینب پورخاقان شاهرضایی^۲ (نویسنده مسئول)

۱. گروه حقوق بین الملل، واحد اصفهان، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

۲. گروه حقوق بین الملل، واحد اصفهان، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

poorkhaghan@gmail.com

چکیده

کاربرد صلح آمیز انرژی اتمی در اصول اساسی حقوق بین الملل به رسمیت شناخته شده است. بر اساس مفاد معاهده ان پی تی کشورهای عضو حق تحقیق تولید و کاربرد انرژی اتمی برای مقاصد صلح آمیز را بدون تبعیض دارند ماده ۴ یکی از مهمترین مواد این معاهده است چرا که غنی سازی اورانیوم و تولید سوخت اتمی حساس را تحت این پیمان برای توسعه و دسترسی همه کشورها به فن آوری اتمی، به رسمیت می شناسد. نگارنده در این پژوهش با نگاهی به قطعنامه های شورای امنیت علیه ایران، ماده ۴ ان پی تی و مفاد برجام که به تکالیف، تعهدات و محدودیت های جمهوری اسلامی ایران در توسعه اتمی می پردازد، در پی اثبات مستثنی شدن ملت ایران در حوزه اتمی و پایمال شدن کرامت سیاسی و اجتماعی ایرانیان می باشد. از بررسی ماده ۴ ان پی تی، مفاد برجام و قطعنامه های شورای امنیت علیه ایران چنین به نظر می رسد که دوگانگی و تناقضات مشهودی در اعمال مفاد ماده ۴ ان پی تی در مورد جمهوری اسلامی ایران در قضیه اتمی و برجام وجود دارد و مستند به قواعد نفی سلطه از دیدگاه اسلام و حتی مفاد معاهده ان پی تی محدودیت هایی میان مدت و بلند مدت و ممنوعیت هایی بعوضا ابدی در حوزه های سیاسی، علمی و تحقیقاتی بر ملت ایران تحمیل شده است که اعتبار و کرامت سیاسی اجتماعی ایرانیان را به چالش می کشد. این پژوهش تحلیلی، توصیفی خواهد بود.

کلمات کلیدی: برجام، پرونده اتمی ایران، سازمان بین المللی انرژی اتمی، شورای امنیت، ماده ۴ ان پی تی، نفی سلطه و کرامت سیاسی ایرانیان.

نحوه ارجاع به مقاله:

فرخی زاده، محمدرضا؛ پورخاقان شاهرضایی، زینب (۱۴۰۳). فراز یا فرود کرامت سیاسی، اجتماعی ایرانیان در موضوع اتمی ایران با تاکید بر دیباچه برجام.

دوفصلنامه حکمت اسلامی و حقوق. ۱ (۱)، ۸۴-۶۸، Doi: 10.71844/iwl.2024.1186165

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granded to Journal of Islamic Wisdom and Law. This is an open – accses article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



مقدمه

تحولات پس از ۱۱ سپتامبر موجب تسریع در برخی قاعده سازی‌های حقوقی و یا اجرای سازکارهایی متفاوت از حقوق بین الملل سنتی گردیده است. تا مدت‌ها معاهدات دو یا چندجانبه و عرف‌های حقوقی به عنوان دو منبع اصیل در حقوق بین الملل مناطق تشخیص قواعد در حقوق مربوط به خلع سلاح اتمی، کنترل تسلیحات اتمی، منع جامع آزمایش‌های اتمی و بازدارندگی اتمی بوده است (Bukharin, 2013:250). هر چند که ممکن است در امضاء معاهدات در قالب اسناد حقوقی تدوین‌کننده عرف موجود در مقام تدوین حقوق بین الملل و یا در داخل توسعه قواعد جدید به عنوان عامل توسعه دهنده حقوق بین الملل نیاتی غیر منصفانه و با توسل به داشتن تسلیحات اتمی فاقد ارزش‌های عادلانه تهیه و ایجاد شده باشد، اما داخل و مطابق با حقوق بین الملل ارزیابی می‌شود. در واقع دولت‌ها براساس اختیار و آزادی با اراده خویش و با استفاده از سازکارهای موجود زمان خویش در حقوق بین الملل حاکمیت خود را تحدید و یا مقید به شروطی نموده‌اند. یکی از مهمترین معاهداتی که در این حوزه قابل بررسی و تدقیق است معاهده منع اشاعه اتمی موسوم به ان پی تی است. دولت‌های عضو از حق توسعه تحقیقات، تولید و استفاده از انرژی اتمی جهت مقاصد صلح‌آمیز بدون تبعیض برخوردار می‌باشند. این موضوع که فعالیت‌هایی که در چارچوب یک برنامه صلح‌آمیز اتمی صورت می‌گیرند شامل فعالیت‌های غنی‌سازی اورانیوم نیز می‌گردند امری پذیرفته شده است. نگارنده در این پژوهش به بررسی بخشی از این معاهده و خصوصاً ماده ۴ آن و بخشی از مفاد برجام موسوم به برنامه جامع اقدام مشترک می‌پردازد.

از آن جایی که سند برجام، چهار ستون اصلی و تعیین‌کننده دارد و به صورت یک کلیت واحد معنی می‌شود، نخست نوع و کیفیت تعهدات هر یک از طرفین متعاقد است این که طرفین چه الزاماتی را پذیرفته‌اند و چه الزاماتی را تحمیل کرده‌اند دوم شیوه نظارت یا راست آزمایی نحوه و کیفیت ایفای این تعهدات توسط طرفین متعاقد است، تا از این رهگذر تناقض‌ها، محدودیت‌ها و ممنوعیت‌هایی که در حوزه دستیابی، تحقیق و توسعه اتمی که علی‌رغم تصریح معاهده ان پی تی در برخورداری بدون تمایز همه ملت‌ها از فن آوری اتمی و تحقیق و توسعه در این زمینه، در برجام بر ایران تحمیل شده است و کرامت سیاسی و اجتماعی ملت ایران را دستخوش مخاطراتی نموده است شفاف‌تر بیان شوند.

برجام که میان دولت جمهوری اسلامی ایران و کشورهای بلوک غرب و چین موسوم به ۱+۵ در سال ۱۳۹۴ تفاهم شد، یکی از مهمترین و راهبردی‌ترین اسناد سیاسی و اقتصادی تاریخ معاصر ایران است که دارای بالاترین تأثیر بر جهت‌گیری‌های سیاسی، اقتصادی، علمی، فنی و منطقه‌ای دولت ایران در سال‌های پیش رو خواهد بود. نگارنده در این مجال در پی اثبات این موضوع مهم است که با توجه به انجام تعهدات سنگین ایران و پذیرش محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های مرتبط با این توافقنامه و انجام شدیدترین بازرسی‌ها و راستی آزمایی‌های تاریخ در حوزه اتمی، مابه ازای ایران و ملت ایران چه بوده است و آیا با توجه به پذیرش و انجام این تعهدات سنگین آیا کرامت سیاسی و اجتماعی ملت ایران محفوظ مانده است یا خیر؟

به صراحت معاهده ان پی تی، جلوگیری از اشاعه تسلیحات اتمی براساس مواد یک و دوم معاهده، استفاده صلح‌آمیز از انرژی اتمی بر اساس ماده چهار معاهده و حرکت به سوی خلع سلاح بر اساس ماده شش معاهده حق همه کشورها می‌باشد (Bunn, 2018:4). مشکل اساسی موجود در مسئله عدم اشاعه این است که فعالیت‌های اتمی همواره می‌توانند کاربردی دوگانه داشته باشند اورانیوم غنی شده و تأسیسات لازم برای غنی‌سازی اورانیوم هم در نیروگاه‌های اتمی و تهیه سوخت آنها و هم در ساخت بمب اتمی کاربرد دارند (Carter, 2018:25).

کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، معتقدند میزان تعهدات و حقوق مندرج در این پیمان تناسبی وجود ندارد. کشورهای دارنده تسلیحات اتمی طبق ماده دو معاهده از اعضای فاقد تسلیحات اتمی می‌خواهند هیچ‌گونه انحرافی به سمت کاربرد نظامی نداشته باشد. ولی در قبال این کمکی به انتقال فن آوری صلح‌آمیز اتمی به کشورهای در حال توسعه بر اساس ماده چهار پیمان و شناسایی عملی حق کشورها برای داشتن فن آوری اتمی و از جمله چرخه سوخت اتمی انجام نمی‌دهند (Dary, 2016:17). کشورهای غربی برخورداری از این حق تصریح شده در ان پی تی را منوط به اثبات پایبندی اعضا به ماده دو یعنی عدم انحراف می‌دانند و کشورهای در حال توسعه

نیز، مدعی‌اند اثبات این پایبندی بیشتر از آن که امری فنی و حقوقی باشد موضوعی سیاسی است (Diamond, 2011:140). توافق اتمی آمریکا با هند و همکاری این کشور و پذیرش فعالیت‌های اتمی آمریکا با هند و همکاری این کشور و پذیرش فعالیت‌های اتمی پاکستان که سه کشور دارنده تسلیحات اتمی خارج از معاهده هستند نمونه آشکار تضعیف این پیمان و سوی قدرت‌های اتمی است و این اعتبار حقوقی معاهده عدم اشاعه را زیر سوال برده است (منصوری، ۱۳۹۷: ۲۵۱).

۱. معاهده ان پی تی^۱

۱-۱. نابرابری شکلی در معاهده ان پی تی

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این معاهده تفکیک و تقسیم کشورها به دارا و ندار از نظر داشتن تسلیحات اتمی است. هدف اصلی کشورهای آمریکا و انگلیس و شوروی از تدوین این معاهده کنترل افقی گسترش تسلیحات اتمی بوده و همکاری برای ایجاد تسهیلات جهت انتقال فناوری اتمی کشورهای دیگر صرفاً برای جلب موافقت کشورهای غیر اتمی بوده است (Elliot, 2019:17). معاهده ان پی تی از نظر امکان تجدید نظر در مفاد آن یکی از مشکل‌ترین معاهدات به حساب می‌آید زیرا علاوه بر کسب نظر موافق اکثریت اعضا هر سه دولت امین باید با آن موافق باشند. بدین ترتیب برخلاف سایر معاهدات که عمدتاً در آن‌ها برگزاری کنفرانس‌ها تشکیل گروه کاری بررسی طرح‌های مختلف رأی‌گیری یا تصویب بدون رأی‌گیری پیش‌بینی می‌شود سازکارها به گونه‌ای ترسیم گردیده که تمامی اعضا دارای حقوق برابر نمی‌باشند (Freestone, 2012:251).

۱-۲. نابرابری حقوق و تعهدات درماهیت معاهده ان پی تی

سه ماده اول این معاهده هدف اصلی آن را اعلام و تایید می‌کنند. ماده اول ناظر به توافق قدرت‌های اتمی در کنترل افقی گسترش تسلیحات اتمی می‌باشد. ماده دوم مکمل ماده اول است و بنا بر آن کشورهای فاقد تسلیحات اتمی به ضرر خود تعهد کرده، حق دریافت و تولید تسلیحات اتمی و هر آنچه را که قابلیت تبدیل به تسلیحات اتمی را دارد از خود سلب می‌کنند. ماده سوم با واگذاری مسئولیت کنترل و نظارت به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ساز و کار نظارت بر حسن اجرای ماده دو را پیش‌بینی می‌کند. دولت‌های اتمی از امتیازات ویژه‌ای در این معاهده برخوردار شده‌اند و دولت‌های غیراتمی موظف شده‌اند از دستیابی و تحقیق در مورد کاربرد نظامی انرژی اتمی خودداری نمایند (Golblat, 2022:17). این امر تاکنون به موضوع غنی‌سازی هم توسعه یافته است که در پرونده اتمی ایران این مهم به وضوح قابل رؤیت است. این نخستین باری است که در حقوق بین‌الملل معاهده‌ای با حقوق و تعهدات متفاوت برای اعضای آن پدید می‌آید (De Wijk, 2022).

۱-۳. نظام راستی‌آزمایی اجرای مقررات معاهده ان پی تی

یکی از مباحث مطرح شده در مباحث کلی حقوق بین‌الملل عمومی، برتری حقوق بین‌الملل بر حقوق داخلی و عدم قابلیت استناد به مقررات داخلی برای عدول از اجرای تعهدات بین‌المللی است. از این رو دولت‌های عضو نمی‌توانند با استناد به موازین حقوقی داخلی حتی قانون اساسی از تأمین شفافیت و اثبات پایبندی به گونه‌ای که این سازمان‌ها با بازرسان بین‌المللی خواستار هستند خودداری نمایند (Glenn, 2018:65). گاهی بازرسان به دلیل طرح اتهاماتی از سوی دولت‌ها، بدون این که در مقام و موقعیتی بی‌طرف قرار گیرند عمدتاً با ارائه مدارک و اسناد به دست آمده حتی اسناد جاسوسی بار اثبات حسن عملکرد دولت‌ها را بر عهده دولت ذی‌ربط قرار می‌دهند (Greg, 2021:152). در این صورت است که عملاً اصل صحت و حسن نیت به بحث تخلف تبدیل می‌شود که نحوه رسیدگی به پرونده اتمی ایران شاهدی بر این مدعا است. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در مقام صلاحیت‌دار برای بررسی نقض تعهد کشور پذیرنده فن‌آوری اتمی، مطابق ماده سه معاهده، در مقام یک سازمان بین‌المللی بی‌طرف و برابر اساسنامه خود به نظارت و کنترل مستمر بر فعالیت‌های

اتمی کشورهای عضو می‌پردازد. مبنای صلاحیت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی علاوه بر ماده ۳ پیمان منع گسترش تسلیحات اتمی قرارداد مستقلی است که کشورهای عضو با آژانس منعقد کرده‌اند (Kenneth, 2014: 28).

۲. قاعده‌ی عدم گسترش و اصل حاکمیت دولت‌ها

دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی در قضیه لوتوس، اعلام کرد که بر این اساس جز در مواردی که حقوق بین‌الملل مقرر نموده است هیچ گونه محدودیتی را نمی‌توان بر استقلال و آزادی عمل دولت‌ها فرض نمود. دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در قضیه نیکاراگوئه با دنبال کردن همین دیدگاه و نتیجه‌گیری خاص در مورد سطح توان و فعالیت تسلیحاتی دولت‌ها، مقرر نمود که در حقوق بین‌الملل، غیر از قواعدی که ممکن است توسط دولتی ذی‌ربط در قالب معاهده یا غیر آن پذیرفته شده باشد، هیچ قاعده‌ای وجود ندارد که براساس آن سطح تسلیحاتی دولت حاکم را بتوان محدود نمود (Canrong, 2011: 27). به زعم نگارنده، دیدگاه لوتوسی دیوان به مشروعیت کاربرد تسلیحات اتمی در دفاع از خود خواهد انجامید. با این حال، نباید این بند از رأی دیوان را جداگانه و بدون توجه به سایر اجزای رأی تفسیر نمود بلکه، دیوان از طریق تأکید بر حقوق بشردوستانه در صدد محدود کردن نتایج زیان بار این بخش از تصمیم خود برآمده است.

۳. ایران و ان پی تی

کشور ایران، پروتکل الحاقی مدل را امضا کرده است اما برابر مقررات پروتکل این سند باید در مجالس کشورهای امضاکننده تصویب و لازم‌الاجرا گردد تا کنون بیش از ۱۰۰ کشور جهان پروتکل الحاقی مدل را تصویب کرده و لازم‌الاجرا نمودند در ایران این سند هنوز به تصویب مجلس شورای اسلامی نرسیده است.

۴. پرونده اتمی جمهوری اسلامی ایران

از خرداد ماه سال ۱۳۸۲ ژوئن ۲۰۰۳ موضوع برنامه اتمی جمهوری اسلامی ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در دستور کار قرار گرفت. از آن پس تلاش‌های فنی و حقوقی زیادی از سوی ایران برای نشان دادن ماهیت صرفاً صلح آمیز برنامه اتمی خویش و متقاعد ساختن آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در این زمینه صورت پذیرفت که می‌توان، به بیانیه سعدآباد و اجرای داوطلبانه پروتکل الحاقی، امضاء موافقنامه پاریس با کشورهای انگلستان فرانسه و آلمان، اشاره کرد. بر این اساس ایران مبادرت به اقدامات اعتماد ساز داوطلبانه غیر حقوقی گسترده‌ای نمود که در این خصوص به تعلیق غنی سازی، بازفرآوری و فعالیت‌های مرتبط از جمله توسعه و تحقیقات برای مدتی در حدود دو سال و نیم از یک طرف و همکاری گسترده با بازرسان آژانس و پاسخگویی به ابهامات باقیمانده از طرف دیگر می‌توان اشاره کرد. از دیدگاه حقوقی، ایران معتقد بود که نمی‌تواند امر عدمی را اثبات کند و از آن جایی که آژانس توانسته است که برنامه‌های اتمی ایران را صلح جویانه اعلام کند، از این رو باید موضوع عادی تلقی گردیده، جمهوری اسلامی ایران از مزایای عضویت در معاهده منع اشاعه اتمی (NPT) و اساسنامه آژانس بهره مند گردد. لذا از دیدگاه نگارنده، متأسفانه در برخورد و رسیدگی به پرونده اتمی ایران همواره متغیرهای سیاسی مدنظر بوده است و کمترین توجه به متغیرهای فنی و حقوقی شده است.

۴-۱. تصویب قطعنامه ۱۶۹۶ شورای امنیت

پس از عدم پذیرش درخواست‌های شورای امنیت از سوی ایران، شورای امنیت در تاریخ ۳۱ ژوئیه (۲۰۰۶) ۹ مرداد ۱۳۸۵ قطعنامه ۱۶۹۶ را طبق ماده ۴ منشور ملل متحد تصویب کرد در این قطعنامه شورا، مشخصاً از ایران تقاضا کرد که کلیه فعالیت‌های مرتبط با غنی سازی و بار فرآوری را به حالت تعلیق درآورد. (William. And Daub, 2021: 8).

۴-۲. تصویب قطعنامه های ۱۷۳۷ و ۱۷۴۷ شورای امنیت

شورای امنیت متعاقباً قطعنامه ۱۷۳۷ را نیز صادر نمود که در آن ضمن تکرار درخواست‌های پیشین خود محدودیت‌هایی را نسبت به دولت و اتباع ایران تجویز کرد. در این باره به درخواست از ایران جهت تعلیق فعالیت‌های اتمی در پروژه‌های آب سنگین، تقاضا جهت تصویب فوری پروتکل الحاقی و درج موضوع سیستم‌های حمل تسلیحات اتمی در مقایسه با قطعنامه‌های پیشین که مشخصاً به موشک

اشاره داشت، می‌توان اشاره کرد. محدودیت‌های اعمال شده در قالب تحریم، عرضه، فروش و انتقال مواد تجهیزات کالاها و فن آوری مرتبط با فعالیت‌های مرتبط با غنی سازی بازآوری و آب سنگین به ایران (بند ۳ قطعنامه)، تحریم واردات کالاهای حساس اتمی و موشکی از ایران بند ۷ قطعنامه، محدودیت ارائه کمک‌های مالی آموزشی و فن آوری مربوطه به ایران (بند ۶ قطعنامه)، توقیف و مصادره اموال و دارایی‌های افراد و موسسات مذکور در ضمیمه قطعنامه (بند ۱۲ قطعنامه) مراقبت دولت‌های عضو سازمان ملل در ورود با عبور افراد دخیل در فعالیت‌های اتمی ایران (بند ۱۰ قطعنامه)، مراقبت و محرومیت آموزشی اتباع ایرانی در رشته‌هایی که به فعالیت‌های اتمی حساس به لحاظ اشاعه و توسعه سیستم‌های پرتاب تسلیحات اتمی کمک خواهند نمود (بند ۱۷ قطعنامه). به زعم نگارنده، از میان تحریم‌های فوق محدودیت‌های ادامه تحصیلات ایرانیان در دانشگاه‌های خارجی در رشته‌های خاص نوعی بدعت در قطعنامه‌های شورا به شمار می‌آید. براساس قطعنامه شورا اتباع ایرانی به طور کلی از این پس نخواهند توانست در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشورهای خارجی در رشته‌هایی که مرتبط با امور اتمی و سیستم‌های پرتاب تسلیحات اتمی هستند، تحصیل نمایند و در واقع اتباع ایرانی از حق آموزش در این رشته‌ها محروم خواهند شد. با اینکه آموزش حقی اساسی و بشری است و دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی نمی‌توانند این حق را به دلایل سیاسی و احتمال استفاده‌های آتی از این دانش در مسیری خاص محدود سازند. شورای امنیت از دولت‌ها درخواست کرده و توصیه نموده که مقررات آموزشی خود را سخت گیرانه کنند و نگذارند که دانش و علوم مرتبط با فن آوری‌های اتمی و موشکی به دست ایرانیان برسد، لذا به زعم نگارنده شروع تبعیضات سیاسی و اجتماعی علیه ملت ایران از این قطعنامه بود که سایر قطعنامه‌ها و مفاد برجام نیز هر کدام به نوبه خود سهم به سزایی در اضمحلال کرامت سیاسی و اجتماعی ایرانیان ایفا کرده‌اند. حق آموزش افراد در زمره حقوق بشری قرار گرفته و از خصایص این حقوق آن است که قابل تعلیق نمی‌باشند. شورا با این اقدام خویش نشان داد که برای حقوق و آزادی‌های بشری نیز ارزشی قائل نیست.

۴-۳. تصویب قطعنامه ۱۸۰۳ شورای امنیت

در ادامه قطعنامه‌های تحریم شورا در تاریخ ۱۳ اسفند ۱۳۸۶ (۳) مارس (۲۰۰۸) قطعنامه ۱۸۰۳ را صادر نمود. در این قطعنامه‌ها شورا تحریم‌های بیشتری را علیه ایران وضع کرد که محدودیت‌هایی علیه برخی اتباع ایران قرار داده است. محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های رفت و آمد اتباع ایرانی مغایر با موازین حقوق بین‌الملل بشر به شمار آمده است. هر گونه نقض ناموجه حقوق این افراد موجب مسئولیت بین‌المللی مشترک دولت‌های عضو و شورای امنیت خواهد بود. محروم ساختن افراد از حق مالکیت بدون ارائه قانونی و حکم قضایی صادره از سوی دادگاه صالحه مفهوم از هم گسستن بنیان‌های جهان‌شول حقوق بین‌الملل بشر خواهد بود. در موضوع اتمی ایران شورا صرفاً حکم به توقیف، مصادره و ضبط اموال اتباع ایران کرده است. به زعم نگارنده این مهم، موضوعی است که مغایر با اصول اساسی حقوق بین‌الملل می‌باشد و این مهم نیز در راستای محدودیت و پایمال کردن حقوق حقه ملت ایران در حوزه سیاسی و اجتماعی است. مضافاً شورا، محدودیت‌هایی را نسبت به تجارت با ایران در پارگراف هشت اجرایی اعلام کرده است. به علاوه وارد ساختن معاملات تجاری عمومی در شمول اقدامات قطعنامه‌های شورا از مصادیق بارز نقض حقوق تعاملات تجاری بین‌المللی است.

در پاراگراف ۱۰ اجرایی قطعنامه شورا محدودیت‌هایی را نیز نسبت به بانک‌های ایران اعلام کرده است. با توجه به اینکه این بانک‌های ایرانی هیچ ارتباطی با ادعاهای مبنی بر درگیری در فعالیت‌های غیر صلح‌آمیز که در قطعنامه‌های شورا مطرح شده، ندارد اصولاً ایجاد محدودیت در فعالیت بانک‌ها در عمل به معنای اختلال در امور بانکی و مالی میلیون‌ها سپرده‌گذار و مشتریان این بانک‌ها است که نهایتاً تقابل با مردم عادی را هدف قرار داده است و هدفی جز از بین بردن کرامت اجتماعی ملت ایران بر آن متصور نیست، اما در ارتباط با تجویز شورا نسبت به بازرسی هواپیماها و کشتی‌های ایرانی، شورا مشخص نکرده است که چنانچه بازرسی صرفاً بنا بر دلایل واهی و بی مبنا صورت پذیرد چه نهاد و ساز و کاری بر جبران خسارت وارده بر نهادهای ایرانی صالح می‌باشد.

۵. قاعده نفی سلطه

اگر تاریخ قراردادهای سیاسی و پیمان‌های صلح را در روابط بین دولت‌ها و ملت‌ها در گذشته و تاریخ معاصر را بررسی کنیم و مسئولیت‌هایی که مسلمین بر اساس آن به عهده می‌گیرند، تنها در مواردی خاص دولت‌ها اسلامی ناگزیر در مقابل خصم نیرومند فاتحی

تسلیم شده‌اند (عمیدزنجانی، ۱۳۸۸: ۷۰). در حقیقت، اسلام برای اولین بار، اصل تعاون و توازن تعهدات متقابل را در پیمان‌ها به نفع دیگران به خاطر صلح نقض نمود و نه تنها از بهره‌گیری از قراردادهای بین‌المللی به سود خویش چشم‌پوشی کرده است، بلکه برقراری صلح را بر حفظ تمام حقوق و منافع جامعه اسلامی ترجیح داده است. ولی با تمام انعطافی که در این راه نشان داده است، هیچگاه از این اصل که در یکی از منشورهای امام علی (ع) آمده است غفلت نشده است: «از هرگونه صلحی که دشمن تو را بدان می‌خواند و خشنودی خداوند در آن است روگردان مباش و تقاضای صلحی را رد نکن، ولی به تو هشدار می‌دهم که پس از صلح سخت از مکر و خیانت دشمن برحذر باش چه بسا دشمن به تو نزدیک می‌شود تا غافلگیرت کند تو باید همواره در حوادث پیشرو باشی و احتیاط را هرگز از دست ندهی و فریب گمان خویش نخوری و حسن ظنت را نادیده بگیری».

به طور کلی محدودیت تعهدات مسلمین در قراردادهای بین‌المللی و مرز اختیارات زمامداران مسلمان در پذیرش مسئولیت‌ها را می‌توان طی چند اصل کلی زیر خلاصه کرد: تعهداتی که به نحوی استقلال مسلمین را به مخاطره اندازد و به اصل سیادت اسلام لطمه وارد آورد. و از طرفی، قبول مسئولیت‌هایی که مخالفت صریح با قوانین و احکام کلی اسلام دارد و پذیرش تعهداتی که موجب سلب حاکمیت اراضی یا نقض تمامیت آن گردد. حدود مزبور در حقیقت مرزهای بسته‌ای است که هیچ مقام اسلامی نمی‌تواند در عقد قراردادهای بین‌المللی از آنها تجاوز کند و به قبول تعهدات مزبور اقدام نماید (سبحانی، ۱۳۷۵: ۱۲).

۵-۱. معاهدات منافی با اصل حاکمیت و استقلال

اصطلاح حاکمیت که برای نخستین بار به وسیله ژان بودن فرانسوی به کار برده شد، معمولاً در مورد آزادی اراده دولت‌ها و استقلال در اخذ تصمیمات بدون دخالت و تبعیت از قدرت مشابه اطلاق می‌شود. طرفداران پیرو نظریه حاکمیت مطلق معتقدند که دولت دارای قدرت سیاسی مطلق و کامل است و اقدامات و تصمیمات او در هیچ امری با هیچ قدرتی قابل تحدید نیست و از آنجا که دولت در دو جنبه داخلی و خارجی واجد صلاحیت و اختیارات سیاسی است حاکمیت آن نیز در هر دو جنبه به صورت یک قدرت انحصاری این حق سیاسی را به دولت خواهد داد که در روابط خود با سایر ملل و همچنین با دولت‌های دیگر از آزادی کامل برخوردار باشد و هراقدام و تصمیمی را که صلاح می‌داند، بدون هیچگونه محدودیتی انجام دهد (امیری قایم مقامی، ۱۳۸۰: ۷۹). گرچه بیشتر حقوقدانان حاکمیت نامحدود دولت‌ها را مردود شمرده یا در تطبیق آن با واقعیات عینی از خود تردید نشان داده‌اند، ایراد و تردید آنان بیشتر بدین دلیل است که معمولاً در مورد حاکمیت خارجی اصطلاح «استقلال» به کار می‌رود و بعضی از حقوقدانان آن دو را به طور مترادف به کار می‌برند و این نظریه را منافی با تشکیل سازمان‌های بین‌المللی و صلاحیت و اختیارات این سازمان‌ها و نیز مقررات حقوقی بین‌المللی می‌دانند.

تأیید حاکمیت محدود یعنی اینکه حاکمیت دولت‌ها تابع مقررات و تصمیمات سازمان ملل متحد و مقررات موضوعه حقوق بین‌الملل است؛ زیرا همبستگی اجتماعی ملل و مقتضیات جامعه بین‌الملل ایجاب می‌کند که حاکمیت دولت‌ها محدود شود. ماده ۱۴ طرح اعلامیه حقوق و تکالیف دول که از طرف کمیسیون حقوق بین‌الملل تنظیم شده در این زمینه تصریح می‌کند که هر دولت مکلف است در روابط خود با سایر دولت‌ها طبق حقوق بین‌الملل و با رعایت این اصل که حاکمیت دولت تابع حقوق بین‌الملل است رفتار کند. نظریه آلوآرز حقوقدان آمریکایی درست در مقابل نظریه حاکمیت مطلق قرار گرفته است. طبق نظریه وی حتی مسائل مربوط به صلاحیت ملی باید از سوی مقامات صلاحیتدار بین‌المللی مانند شورای امنیت مجمع عمومی سازمان ملل متحد و دیوان بین‌المللی دادگستری معین و مشخص گردد. برای بررسی دو نظریه ی حاکمیت نامحدود و حاکمیت محدود، باید به این مطلب توجه داشت که ضرورت غیر قابل اجتناب پذیرش تعهدات، خواه ناخواه حاکمیت دولت‌ها را به طور قانونی و اختیاری محدود می‌سازد و دلایلی که از طرف طرفداران حاکمیت محدود ابراز می‌شود و مقتضیات فعلی جامعه ملل و همبستگی آن وشرایطی که با شرکت دولت‌ها در سازمان‌های بین‌المللی به وجود آمده بیش از این ایجاب نمی‌کند که حاکمیت دولت‌ها باید با تعهداتی که آنان در قبال دولت‌های دیگر یا سازمان‌های بین‌المللی می‌پذیرند محدود شود (ارسنجانی، ۱۳۸۵: ۵۲). بدیهی است محدود کردن حاکمیت دولت‌ها به صورت اجباری و غیراختیاری خارج از حدود تعهدات و قراردادهای بین‌المللی، مخصوصاً بدان شکل که آلوآرز می‌گوید، تشخیص صلاحیت ملی دولت‌ها را تابع تصمیمات و مقررات سازمان‌های بین‌المللی که اغلب دستاویزی برای سیادت دول بزرگ و تنفیذ مقاصد و منافع آنان است می‌داند چیزی جز استعمار نو نخواهد بود؛ چنانکه حاکمیت مطلق هم با وجود اصل ضروری پذیرش تعهدات نمی‌تواند قابل تصور باشد.

۵-۲. حاکمیت از نظر حقوق اسلام

در نصوص و مدارک حقوق اسلامی اصطلاح دولت دیده نمی‌شود، ولی هرگاه این اصطلاح را به مفهوم اسلامی یعنی طبق موازین حقوق اسلامی به کار ببریم، می‌توانیم مجموعه جامعه متشکل اسلامی را که دارای قلمرو محدود و حکومت و قدرت سیاسی مشخص است، دولت اسلامی بنامیم. از آنجا که شاخص و ملاک وحدت ملی جمعیت در جامعه اسلامی عبارت است از پذیرش قانون و ایدئولوژی اسلامی و پیروی از اراده و قانون الهی و همچنین مفهوم حکومت چیزی جز تطبیق با قانون اسلام و گسترش عدالت اجتماعی طبق اراده و قانون الهی نیست و قدرت سیاسی حکومت اسلامی نیز از همان اراده و قانون الهی سرچشمه می‌گیرد می‌توان قانون و ایدئولوژی اسلامی را عنصر اصلی در تشکیل دولت اسلامی محسوب کرد (عمیدزنجانی، ۱۳۸۸: ۷۵). به عبارت دیگر عنصر و شاخص اصلی در ایجاد دولت همان اراده آزاد و خواست مشترک افرادی است که خود حکومت قانون الهی را پذیرفته‌اند. لذا، دولت اسلامی تنها در چهارچوب قانون اسلام، استقلال و حاکمیت دارد و صلاحیت و آزادی و اختیارات آن چه در اقداماتی که برای اداره داخل مرزهای اسلامی انجام می‌دهد و چه در مورد تصمیمات و رویه‌هایی سیاسی که در زمینه روابط خارجی و بین‌المللی اتخاذ می‌کند، با مقررات قانون اسلام محدود می‌شود و دولت اسلامی چنین اراده آزادی ندارد که دست به هر اقدامی بزند یا هر نوع تصمیمی را اتخاذ نماید و یا از ادای وظایف مقرر سر باز زند.

نوع دیگر از محدودیتی که حاکمیت دولت اسلامی را محدود می‌سازد، تعهدات مشروعی است که دولت اسلامی طبق قانون اسلام در روابط بین‌المللی در برابر دولت‌ها یا گروه‌ها و یا افراد دیگر رسماً به عهده می‌گیرد بر اساس این تعهدات، آزادی دولت اسلامی و صلاحیت آن محدود می‌شود (ارسنجانی، ۱۳۸۵: ۵۵). بدیهی است این مطالب در صورتی است که ما حاکمیت دولت اسلامی را مطلق بدانیم و اما هرگاه دولت اسلامی را با توجه به تقید به قانون و تعهدات مشروع و بلکه در برابر قدرت‌های مشابه و دولت‌های دیگر منظور داریم بی‌شک دولت اسلامی دارای صفت بارز استقلال و حاکمیت مطلق بوده، نمی‌تواند در برابر هیچ قدرتی تابع و نفوذ پذیر باشد. دولت اسلامی در اجرا و تنفیذ قانون اسلامی در داخل و در حیطه روابط بین‌المللی صلاحیت و آزادی کامل دارد و هیچ دولتی یا فرد غیر مسلمانی نمی‌تواند به اجبار محدودیتی را بر دولت اسلامی تحمیل نموده در امور آن مداخله کند.

موضوع استقلال و حاکمیت جامعه اسلامی از اساسی‌ترین مسائل و ضروری‌ترین اصول تربیتی و سیاسی اسلامی است که به جهت ارتباط مستقیم آن با مصالح عالی اسلام حائز اهمیت فراوان است. بر اساس قاعده «تقدیم امر اهم بر امر مهم» در مواردی که با حفظ سایر مقررات و احکام پاسداری از اصل استقلال امکان پذیر نگردد، ناگزیر از نفوذ مقررات مزبور، اگرچه خود از احکام مهم اسلامی هم باشد، به دلیل برتری و اهمیت استقلال مسلمین، کاسته می‌گردد و در عمل اصل استقلال مقدم داشته می‌شود. در این گونه موارد معمولاً فقها با جمله استثنایی «الا ان یخاف علی بیضة الاسلام» اصالت استقلال و حفظ موجودیت و تحکیم این اصل را نسبت به بسیاری از مقررات پرارزش دیگر اسلامی بیان کرده‌اند و بهره‌گیری از همه امکانات نظامی و نیروهای انسانی را در راه مبارزه و دفاع در برابر چنین مخاطره‌ای واجب شمرده است (عمیدزنجانی: ۱۳۸۸: ۸۰). اصولاً اسلام به مسئله استقلال جامعه اسلامی از جنبه سیاسی تأکید فراوان نموده و برای آن اهمیت فوق‌العاده‌ای قائل شده است. قرآن به منظور صیانت از استقلال جامعه مسلمین هر نوع اعتماد به عناصر غیر مسلمان و پیروی از آنان را تا آنجا که به مصالح دینی و سیاسی مربوط می‌شود، اکیداً تحریم فرموده و این تحریم سیاسی را در آیه ۱۱۳ از سوره هود چنین بیان داشته است: «و لا ترونوا الی الذین ظلموا فتمسکم النار و مالکم من دون الله من اولیاء ثم لا تنصرون». (به گروه ستمکاران هرگز تکیه نکنید که آتش شما را لمس نماید در صورتی که برای شما جز خدا یاران و صاحب اختیارانی نیست آنگاه از یاری و نصرت ما محروم شوید). و نیز در آیه ۱ و ۲ سوره ممتحنه می‌فرماید: «هان ای کسانی که ایمان آوردید دشمنان من و دشمنان خودتان را دوست برای خود نگیرید که با ایشان طرح دوستی، افکنید در صورتی که آنها به حقیقتی که به سوی شما آمده انکار می‌ورزند آنان اگر راهی بر شما پیدا کنند دشمنانتان خواهند بود و دستها و زبان‌شان را به بدی به سویتان خواهند گشود و دوست دارند که شما نیز کافر شوید». و در آیه ۵۷ سوره مائده می‌فرماید: «آنان که به جز مؤمنین کفار را به دوستی می‌گیرند، مگر نزد آنان عزتی می‌جویند. عزت یکسره پیش خدا است». در آیه ۱۰۵ سوره بقره نیز تصریح می‌فرماید که: «کسانی از اهل کتاب که راه کفر پیش گرفته‌اند و همچنین مشرکان هرگز دوست ندارند که از جانب آفریدگارتان خیری بر شما نازل گردد».

نکته‌ای که در مفهوم استقلال سیاسی از نظر قرآن وجود دارد این است که استقلال سیاسی تنها از نظر عدم مداخله قدرت و دولت بیگانه منظور نگردیده، بلکه اصولاً تمایل مسلمین به بیگانگان به شکل اتکا و استناد به آنان، گو اینکه موجب مداخله از طرف بیگانگان نیز نگردد، ممنوع و تحریم شده است (سبحانی، ۱۳۷۵: ۱۷). اسلام از این رهگذر مسلمانان و دولت اسلامی را موظف کرده که در امور دینی اجتماعی، اقتصادی، نظامی و سیاسی متکی به خود بوده استقلال خویش را محفوظ دارند و روابط خود را با بیگانگان و دول دیگر بر اساس متکی بودن بر آنها قرار ندهند. طبق آیه ۱۰۷ سوره بقره: «و ما لکم من دون الله من ولی و لا نصیر». قراردادهای و تعهداتی که به نحوی منافی با اصل حاکمیت و موجب نقض اصل استقلال مسلمین و دولت اسلامی، باشد از نظر حقوق اسلامی از درجه اعتبار ساقط بوده، هیچ مقامی قادر بر امضا و تنفیذ چنین معاهداتی نیست.

هر نوع قرارداد و تعهد مشروع، محدودیت‌هایی را در صلاحیت و آزادی اراده و حاکمیت طرفین قرارداد ایجاد می‌کند ولی این نوع محدودیت از نظر منطق قرآن منافی با اصل حاکمیت و موجب نقض اصل استقلال نیست تنها قراردادهای و تعهداتی که به موجب آن مسلمین یا دولت اسلامی به نحوی بر بیگانگان متکی می‌شوند و آنان را به عنوان پناه و تکیه گاه در شئون خویش می‌پذیرند یا برای آنان حق مداخله در امور مسلمین قائل می‌شوند مشمول تحریم و فاقد ارزش و اعتبار خواهند بود (عمیدزنجانی، ۱۳۸۸: ۸۱). این یک قانون کلی اسلامی است که حاکم بر تمام قراردادهای بین‌المللی است و در موارد گوناگون می‌تواند مصداق پیدا کند.

برای توضیح مطلب اکنون چند مورد کلی را در این زمینه یادآور می‌شویم: امتیازات سیاسی و مزایایی که در هر نوع قرارداد بین المللی دیگر به افراد یا ملت‌های بیگانه (غیر مسلمان) اعطا می‌شود، در صورتی که مستلزم وابستگی و اتکای مسلمین بر آنها گردد. قراردادهایی که موجب می‌شود حکومت اسلامی در اداره شئون داخلی یا در سیاست خارجی به نیروهای بیگانه و حمایت آنان متکی باشد و وابستگی اقتصادی و هر نوع قراردادی که اقتصاد و تجارت مسلمین را به دست بیگانگان بسپارد یا در فعالیت اقتصادی آنان هضم و بدان متکی نماید. از سویی هر نوع تعهداتی که موجب دخالت بیگانگان در یکی از شئون نامبرده شود و هر آنچه به صلاحیت جامعه مسلمین در زمینه امور داخلی یا سیاست و روابط خارجی مربوط است.

بر اساس سیاست کلی عدم مداخله بیگانگان، شخص یا دولت غیر مسلمان در امور داخلی یا خارجی مسلمین و وظایف و صلاحیت دولت اسلامی اعمال نظر کند تا آن را به انجام دادن یا ندادن امر معینی مجبور سازد. نفوذ و مداخله بیگانگان بدان معنی که گفته شد از نظر منطق قرآن برای جامعه مسلمین غیر قابل پذیرش است. به همین دلیل می‌توان اصل عدم مداخله را به عنوان یک اصل کلی در سیاست مستقل دولت اسلامی دانست و مفهوم اسلامی حاکمیت و استقلال را بدین وسیله گسترش داد. با توجه به آیه ۱۴۱ سوره نساء، به عنوان دلیل و مدرک اصل مزبور که می‌فرماید: «و لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلاً». (خداوند هرگز برای کافران علیه مؤمنان راه نفوذی قرار نداده است). کلمه «لن» که در سر آغاز این آیه آمده به معنی نفی ابدی و همیشگی به کار می‌رود و حاوی تأکید خاصی است که می‌تواند حاکی از شدت عمل و سخت‌گیری اسلام در این زمینه باشد (سبحانی، ۱۳۷۵: ۲۱).

نکته دیگری که در این آیه جالب توجه است تعبیر (سبیلا) است که از نظر حالت خاص ادبی، معنی هر نوع مسیری را می‌دهد و سبیل که در لغت عرب به معنی راه است، به مناسبت مضمونی که در آن به کار رفته، شامل هر نوع نفوذ و تأثیر و تحمیل و اجبار و اعمال نظر و مداخله است بدین ترتیب، آیه مزبور هر نوع نقشی را که ممکن است کفار در زندگی مؤمنان به نحو تسلط و حکومت داشته باشند، برای همیشه از جامعه مسلمین سلب و هر نوع قرارداد و تعهدی را که چنین حقی برای آنان قائل شود، ممنوع اعلام کرده است.

۵-۳. تعهدات منافی با اصل سیادت

اسلام برای سیادت مسلمین و سربلندی جامعه اسلامی اهمیت به سزایی قائل شده و برای دستیابی به آن هر نوع سیادت بیگانه را به شدت تحریم کرده است. از این اصل کلی، فقها با عنوان «الاسلام یعلو و لا یعلی علیه» به صورت یک قاعده حقوقی در فروع و موارد مختلف حقوق اسلامی، بهره برداری کرده‌اند. مفهوم این قاعده حقوقی که عبارت از ضرورت تحقق بخشیدن به سیادت و سربلندی اسلام و ابطال و الغای هر نوع سیادتی علیه اسلام است می‌توان از آیه ۸ سوره منافقون نیز به دست آورد «والله العزّة و لرسوله و للمؤمنین ولكن المنافقین لا یعلمون». (عزت از آن خداست و رسول خدا و مردان با ایمان شایستگی عزت و سیادت را دارند، ولی مردم منافق از این

حقیقت بی خبرند). این نوع سیادت اکتسابی است و هر فرد و اجتماع و گروه و نژادی از هر رنگ و سرزمینی می‌تواند این عزت و سیادت را به دست آورد (عمیدزنجانی، ۱۳۸۸: ۸۵). اگر پذیرش سیادت بیگانه ممنوع شده بدان جهت است که تثبیت سیادت بیگانه بر مسلمین، خود سیادت بر فکر و عقیده آنان یعنی اسلام را در بر خواهد گرفت.

۴-۵. صیانت سیادت در تعهدات بین المللی

بنابر آنچه گذشت، حفظ سیادت اسلام و جامعه اسلامی از جمله وظایف عمومی و از آن سلسله ضروریات اسلامی است که نقض آن از حدود اختیارات مسلمین خارج بوده تعهدات بین المللی نمی‌تواند ناقض آن باشد. از این رو در قراردادهای بین المللی که مسلمین اقدام به امضا و تصویب آن می‌کنند، باید اصل سیادت محفوظ بماند و به عنوان یک اصل ثابت منظور گردد.

هر نوع شرایط و تعهداتی که در این قراردادها منافی با اصل مزبور باشد از نظر اسلام فاقد ارزش حقوقی بوده از درجه اعتبار ساقط است. قرآن در این مورد در آیه ۱۱۸ سوره آل عمران می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا لا تتخذوا بطناء من دونکم لا یألونکم خیالاً و دوا ما عنکم قد بدت البغضاء من افواهم و ما تخفی صدورهم أكبر قد بینا لکم الآیات ان کنتم تعقلون». (ای مردمانی که ایمان آوردید غیر مسلمان را دوست مخصوص و محرم اسرار خویش اتخاذ نکنید؛ زیرا آنان از فساد و تباه کردن امور شما کوتاهی نمی‌کنند هر چه را باعث رنج و زحمت شما گردد دوست می‌دارند عداوت و کینه از زبانشان هویدا گشته و آنچه در دل کتمان نموده‌اند، بیش از اینهاست. ما نشانه‌ها و دلایل را بر شما روشن نمودیم، اگر شما تعقل کنید). در بحث‌های حقوقی معمولاً تبعیت سیاست خارجی دولت‌ها از قوانین داخلی را یکی از اصول حقوق بین‌المللی جدید تلقی می‌کنند تا آنجا که اصل حاکمیت خارجی را ناشی از حاکمیت داخلی می‌دانند و حاکمیت داخلی نیز جز حکومت قانون چیز دیگری نمی‌تواند باشد (عمیدزنجانی، ۱۳۸۸: ۸۶).

در هر صورت، از نظر حقوق اسلامی اصل همبستگی و تبعیت سیاست خارجی از قوانین و احکام اسلام امری اجتناب ناپذیر و غیر قابل نقض است. این اصل در حقوق اسلامی اختصاص به قراردادهای بین‌المللی ندارد بلکه اصولاً هر عقد و قراردادی چه در زمینه مسائل اقتصادی و چه در مورد حقوق مدنی، مشمول این قانون می‌باشد و هرگاه شرطی که مخالف با مقررات قرارداد مزبور است در ضمن آن عقد مورد تعهد طرفین یا یک طرف قرار بگیرد، فاقد اعتبار خواهد بود. این نوع تعهدات در فقه اسلامی با عنوان شرایط مخالف با مقتضیات عقد از این نظر نیز مورد بحث قرار گرفته که آیا بی اعتبار بودن و بطلان شرایط و تعهدات مزبور موجب بطلان اصل قرارداد نیز می‌گردد یا اینکه تنها شرایط مزبور حالت الزامی را از دست داده اصل قرارداد منهای شرایط و تعهدات مزبور ارزش حقوقی خواهد یافت. در هر صورت آنچه مسلم است این است که شرایط منافی با مقررات هر قراردادی قابل تعهد در ضمن آن قرارداد نیست و این اصل در مورد هر نوع قرارداد بین المللی کاملاً صدق می‌کند.

۶. برجام

بی شک سند برنامه جامع اقدام مشترک موسوم به برجام که میان دولت جمهوری اسلامی ایران و شش کشور دیگر شامل انگلیس، آلمان و فرانسه از طرف اتحادیه اروپا به همراه امریکا روسیه و چین در تاریخ بیست و سوم تیرماه ۱۳۹۴ برابر با چهارده ژوئای (۲۰۰۵) نهایی شد، یکی از مهم‌ترین اسناد تاریخی دولت ایران در دوران معاصر است.

از دیدگاه نگارنده، مهم‌ترین است چون آثار و تبعات تعهدات مندرج در این سند سال‌ها بر سیاست‌های راهبردی دولت‌های آتی ایران، تحمیل شده است و سایه آن بر مناسبات اقتصادی و مراودات مالی و پولی بین المللی کشور سنگینی می‌کند. نسل‌های آتی در عرصه‌های فنی و سیاست گذاری این کشور به ویژه در عرصه‌های اقتصادی و تجاری خویش با شرکای بیرونی باید درک صحیح و منطقی از تعهدات مندرج در این سند (برجام) به مثابه یک متغیر تعیین کننده داشته باشند.

قدرت مانور و حیطه اقدام و برنامه‌های دولت‌های آتی ایران در حوزه فن آوری اتمی و خدمات جنبی آن نیز تابعی محض از رویکردها و تعهدات مندرج در این سند (برجام) است. از آن جایی که این سند، چهار ستون اصلی و تعیین کننده دارد و به صورت یک کلیت واجد معنی می‌شود. نخست نوع و کیفیت تعهدات هر یک از طرفین متعاقد است این که طرفین چه الزاماتی را پذیرفته‌اند و چه الزاماتی را

تحمیل کرده‌اند دوم شیوه نظارت یا راست آزمایی نحوه و کیفیت ایفای این تعهدات توسط طرفین متعاقد است. به عبارتی چگونه و از طریق چه مکانیزم‌هایی می‌توان از صحت و دقت عمل تعهدات هر یک از طرفین متعاقد اطمینان حاصل نمود. چه مکانیزم‌هایی برای حل و فصل اختلافات احتمالی و تفسیر رفتار یا برداشت‌های هر یک از طرفین مذاکره طراحی و تعبیه شده است و چهارم این که در صورت احراز قصور هر یک از طرفین متعاقد و اثبات ایراد یا صدمه به طرف مقابل یا نقض تعهد چه ابزارهایی برای جبران خسارت و پرداخت غرامت منصفانه به طرف دیگر پیش‌بینی شده است (Fuhrmann, 2017:169). این چهار ستون تعیین کننده یک معاهده دو یا چند جانبه بین المللی است که تلاش نگارنده بر بررسی فقط بند نخست یعنی نوع و کیفیت تعهدات متعاهدین است. از جمله آخرین مذاکرات بین المللی صورت گرفته مشابه می‌توان به مفاد قرارداد الجزایر بین ایران و آمریکا موسوم به بیانیه‌های الجزایر اشاره کرد این بیانیه‌ها در دی ماه ۱۳۵۹، ژانویه (۱۹۸۱) میان سرپرست هیئت ایرانی و معاون وزیر امور خارجه آمریکا در تهران و الجزایر امضاء شد و تعهدات حقوقی را برای طرفین وضع نمود. یک روز پس از صدور بیانیه‌ها و در ۳۰ دی (۱۳۵۹) تعداد ۵۲ آمریکایی پس از ۴۴ روز آزاد و از راه الجزایر به آمریکا منتقل شدند و دولت ایران به تعهد خود براساس بیانیه الجزایر عمل نمود (محبی، ۱۳۹۷: ۲۸). اما دولت ایالات متحده علی رغم پذیرش تعهدات شفاف در برابر دولت ایران تعهد به مداخله در امور ایران را نقض نمود و تحریم‌های تجاری را که قرار بود به موجب بیانیه‌های الجزایر ملغی شوند، در طول سال‌های جنگ و پس از آن به شکل‌های مختلف دوباره اعمال و حتی تشدید نمود (افتخارجه‌رمی، ۱۳۹۲: ۳۶). از دیگر تجربیات مهم بین‌المللی موجود که می‌توانست کمک بزرگی به مذاکره کننده ایرانی در تدوین این سند (برجام) نماید تجربه مذاکرات دولت کره شمالی با آمریکا و همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بود. کره شمالی در سال ۱۹۹۲ موافقت نامه پادمانی با آژانس منعقد کرد. آژانس درخواست کرد تا از دو سایت مشکوک بازرسی ویژه نماید که دولت کره شمالی با آن موافقت نکرد و شورای حکام طی قطعنامه‌ای انحراف کره شمالی را اعلام کرد و آن را مشمول ماده ۱۲ معاهده منع گسترش تسلیحات اتمی اعلام کرد (قرشی، ۱۳۹۵: ۲). سپس پروژه به شورای امنیت ارجاع شد و این شورا از کره شمالی درخواست کرد تا از تصمیم خود در مورد کناره‌گیری از معاهده منع گسترش صرف نظر نماید. (Talmon, 2020:99). در سال ۲۰۰۹ دولت کره شمالی عمدتاً به دلیل گزارش‌های مغرضانه، بازرسان آنها را اخراج کرد و دومین آزمایش اتمی خود را انجام داد و شورای امنیت هم در قطعنامه شماره ۱۸۷۴ مجدداً این آزمایش را مغایر با صلح و امنیت بین المللی دانست. (نقشبندی و دهشیری، ۱۳۹۹: ۱۸۰).

۶-۱. دیپاچه برجام

در دیپاچه آمده است که: سه کشور اتحادیه اروپا به علاوه کشورهای دیگر شامل: چین، روسیه، انگلیس و ایالات متحده به همراه نماینده ارشد اتحادیه اروپا در امور سیاست خارجی و سیاست امنیتی و جمهوری اسلامی ایران از این برنامه جامع اقدام مشترک تاریخی که اطمینان می‌دهد که برنامه اتمی ایران کاملاً صلح آمیز خواهد بود و همچنین یک تغییر بنیادین در رهیافت‌های آنان به این مسئله می‌باشد، استقبال می‌نمایند. اجرای کامل این سند (برجام) به طور مثبت به صلح و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی کمک خواهد نمود. ایران مجدداً تصدیق می‌نماید که تحت هیچ شرایطی و هرگز به دنبال در جست و جوی توسعه یا دستیابی به هیچگونه سلاح اتمی نخواهد بود. به زعم نگارنده پذیرش این موضوع در واقع پذیرش ادعاهای طرف‌های غربی مبنی بر صلح آمیز نبودن برنامه اتمی جمهوری اسلامی ایران بود و رد ادعای اصولی جمهوری اسلامی ایران مبنی بر صلح آمیز بودن برنامه اتمی خود بود. بر پایه نگرش ایران این سند (برجام) اجازه خواهد داد تا بر اساس رویکردهای مندرج در این سند (برجام) و با اعتمادسازی و تشویق همکاری‌های بین المللی؛ به سمت یک برنامه کاملاً صلح آمیز و بومی اتمی در راستای ملاحظات علمی و اقتصادی به پیش برود. از نظر سه کشور عضو اتحادیه اروپا و سه (۳) کشور دیگر موسوم به گروه ۵+۱ اجرای این سند (برجام) به صورت تدریجی به آنها اجازه می‌دهد تا نسبت به ماهیت صرفاً صلح آمیز برنامه اتمی ایران اطمینان حاصل کنند. در ادامه دیپاچه پاراگراف کوتاهی در انتها به موضوع تحریم‌های ایران می‌پردازد در این پاراگراف آمده است که این سند برجام برداشتن جامع همه تحریم‌های شورای امنیت و همچنین تحریم‌های ملی و چندجانبه مرتبط با برنامه اتمی ایران را ارائه خواهد داد که شامل گام‌هایی برای دسترسی در حوزه‌های تجاری، فن آوری تأمین مالی و انرژی می‌شود. از دیدگاه نگارنده، در دیپاچه متن برجام چند نکته کلیدی قابل اهمیت وجود دارد. نخستین و مهم‌ترین نکته آن است که بر پایه پاراگراف اول این دیپاچه برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) اطمینان خواهد داد که برنامه اتمی ایران کاملاً صلح‌آمیز خواهد بود که مبین تغییر بنیادین در رویکرد

آنان به این موضوع است در اینجا ضمیر رویکرد بلافاصله به ایران باز می‌گردد، به عبارت دیگر پیام این عبارت این است که برجام موجب بروز تغییر بنیادین در رویکردهای اتمی ایران شده است. این در حالی است که برنامه‌های اتمی ایران حسب اعلام و عمل مقامات ارشد دولت جمهوری اسلامی ایران و گزارش‌های مکرر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، دارای رویکرد صلح آمیز بوده است لذا این که ایران در مذاکرات خود پذیرفته و اقرار نموده است که بر پایه سند برجام در رویکرد اتمی خود تغییر بنیادین داده است به مثابه پذیرش اتهامات پیشین در مورد مخاصمه آمیز بودن برنامه اتمی خود بوده است. بر پایه درک از این متن اگرچه دو طرف پذیرفته‌اند که برنامه بومی اتمی ایران بر پایه متون برجام و قواعد نظارتی حاکم بر آن و در انطباق با قواعد بین‌المللی عدم اشاعه، کاملاً صلح آمیز است، معلوم نیست که چرا باید این برنامه اتمی با ملاحظات کاملاً صلح آمیز تحت تکامل تدریجی و با سرعت معقول اتفاق بیافتد. بلافاصله در پاراگراف بعدی که دیدگاه‌های طرفهای ۱+۵ را طرح می‌کند عبارت تدریجی تا رسیدن به اعتماد لازم از ماهیت صلح آمیز برنامه اتمی ایران تکرار شده است و در بخش مقدمه از واژه گام به گام استفاده شده است که متناظر با تکالیف طرفین در این سند است. پاراگراف چهارم (آخر) دیباچه یکی از بنیادی‌ترین و مناقشه برانگیزترین مفاهیم متن برجام آمده است و آن واژه برداشتن تحریم‌ها است. بر پایه متن، برجام شرایطی را فراهم می‌کند تا همه تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل و تحریم‌های چندجانبه و ملی مرتبط با برنامه اتمی ایران به طور جامع برداشته شود. از دیدگاه نگارنده زمانی که متنی از واژه برداشته شدن صحبت کند اولاً منظور جابه جایی است از (اجرا تا توقف آن) و ثانیاً شرایط موقتی دارد. لذا بر پایه این متن تحریم‌ها لغو یا حذف نشده‌اند بلکه به صورت موقت برداشته خواهند شد و قابلیت بازگشت خواهند داشت، لذا این موضوع یکی از دلایل اصلی پایداری کرامت اقتصادی و اجتماعی ایرانیان می‌باشد و این نکته‌ای است که در کل متون برجام با عبارات متعدد لیکن با منظور واحد تکرار شده است. نکته دیگر چگونگی تفکیک تحریم‌های مرتبط اتمی با سایر تحریم‌ها است. در ادامه شاهد خواهیم بود اگرچه در حوزه نظارت بر فعالیت‌های اتمی ایران اقدامات کمی و سنجش‌پذیر به دقت و وسواس کافی انشاء شده است، لیکن در حوزه رفع تحریم‌ها عبارت، مبهم کلی، عام و غیرقابل استناد به وضوح دیده می‌شود، که در این مهم هم شاهد پایداری و از بین رفتن کرامت سیاسی و اجتماعی ملت ایران هستیم.

۶-۲. مقدمه و مفاد عمومی برجام

در بند یک (I) از مقدمه و شرایط عمومی آمده است که «ایران و گروه موسوم به ۱+۵، بر این سند (برجام) طولانی مدت اتخاذ تصمیم کرده‌اند این سند مبین یک رهیافت گام به گام است که شامل تعهدات متقابلی است که در این سند (برجام) و ضامناً ملحق به آن آمده است و قرار است به وسیله شورای امنیت سازمان ملل تأیید شود. ملاحظه می‌شود که این بند از مقدمه بر بلندمدت بودن برجام تأکید می‌کند و مجدداً از واژه جایگزین گام به گام به جای تدریجی و سرعت (معقول) استفاده کرده است. در بند دو (II) از مقدمه آمده است که اجرای کامل برجام موجب اطمینان خاطر از ماهیت انحصاری صلح آمیز برنامه اتمی ایران خواهد شد. در بند سوم (III) آمده است که ایران دوباره تصدیق می‌کند که تحت هیچ شرایطی و هرگز در پی جستجو، تکامل یا دستیابی به هیچ سلاح اتمی نخواهد بود. نکته مهم در این بند آن است که این تعهد ایران خارج از زمان‌بندی برجام است و مشمول یک حکم دائمی در مورد رفتار اتمی ایران است (اسیری و حبیبی، ۱۳۹۸: ۲۸۵). به زعم نگارنده چرا باید تکلیف و تعهدی بی پایان بر ملت ایران بار شود که این هم موردی دیگر از اضمحلال کرامت ملت ایران خواهد بود. در بند چهار (IV) از مقدمه آمده است که با اجرای موفقیت آمیز برجام است که دولت ایران بر پایه مواد ذیربط معاهده عدم اشاعه اتمی (NPT) و تعهدات ناشی از آن قادر خواهد بود از حق کامل خود برای مقاصد صلح آمیز اتمی استفاده نماید و پس از آن اجرای کامل برجام است که با ایران همانند سایر دولت‌هایی که عضو معاهده عدم هستند و سلاح اتمی ندارند رفتار خواهد شد. از دیدگاه نگارنده، برداشت رفتاری از این متن این است که اولاً رفتار با دولت ایران علی‌رغم مندرجات صریح معاهده منع اشاعه تسلیحات اتمی، ویژه و منحصر به فرد است. ثانیاً رفتار عادی با ایران همانند سایر اعضای که سلاح اتمی ندارند و عضو معاهده اشاعه هستند زمانی اتفاق خواهد افتاد که برجام به طور کامل و به صورت مفاد در این سند اجرا شده باشد و ثالثاً در شرایط کنونی برنامه اتمی جاری ایران در شرایط صلح آمیز نیست که خود مبین تأیید جمله نخست پاراگراف دیباچه است که اذعان می‌کند یک تغییر بنیادین در رفتار اتمی ایران ایجاد کرده است. برای درک ابعاد این رفتار ویژه و منحصر به فرد بند یازده (XI) این مقدمه تأکید می‌کند که همه مفاد و رویه‌های برجام منحصر به طرف‌های آن است و نباید به مثابه سابقه عملکرد برای سایر دولت‌ها در نظر گرفته شود و هیچ استناد

حقوقی در تعهدات و حقوق مندرج در معاهده عدم اشاعه و سایر مکانیزم‌های مرتبط در اصول حقوق بین الملل ایجاد نخواهد کرد. این تأکید بر این مبناء استوار است که این رفتار (برجام) ویژه است و هیچ مرجعی حقوقی نمی‌تواند از آن به مثابه حقوق عرفی در دعوی و رویه‌های قضایی برای سایر کشورها و موارد مشابه استفاده کند و یا به آن ارجاع دهد و استناد نماید. لذا این موضوع نیز یکی از اساسی‌ترین موارد در راستای اضمحلال کرامت سیاسی و اقتصادی و اجتماعی ملت ایران می‌باشد. تکالیف ایران در این سند، تعهدات اتمی است که مکلف به اجرای آن است. تکالیف سایر طرف‌ها برداشتن تحریم‌ها است. اما در بند ده (X) این مقدمه بلافاصله نهاد ناظر ثالثی خارج از برجام و کمیسیون مشترک عهده دار نظارت و گزارش‌دهی و دیده بانی از نحوه اجرای تعهدات ایران را طرح می‌کند. بر اساس یافته‌های نگارنده، طبق این بند، آژانس بین المللی انرژی اتمی وظیفه دارد تا اقدامات داوطلبانه این سند مرتبط با مسائل اتمی را آن گونه که در سند تفاهم شده است را نظارت و راستی‌آزمایی نماید. درحالی که کلیه تعهدات اتمی ایران تحت نظارت مستمر و ادواری آژانس خواهد بود و از طریق شورای حکام و شورای امنیت از روند و کیفیت این تعهدات آگاه خواهند شد و مداخله خواهند نمود اما هیچ نهاد مستقل و بی طرفی تعهدات و عملکردهای سایر طرف‌ها در خصوص رفع تحریم‌ها و کیفیت اقدام آنها در این خصوص را بررسی نخواهد کرد. این موضوع نیز یکی دیگر از موارد لگ مال شدن کرامت ملت ایران می‌باشد. در بند یازده (XI) آمده است که همه اقدامات و مفاد این سند (برجام) صرفاً با هدف اجرای آن بین گروه موسوم به ۵+۱ و ایران تدوین و به مثابه سابقه برای هیچ دولت دیگری نیست و به عنوان اصل بنیادی حقوق بین الملل و حقوق و تکالیف تحت معاهده عدم اشاعه و همچنین به مثابه رویه‌ها و اصول به رسمیت شناخته بین المللی در نظر گرفته نمی‌شود. بند ده در مقایسه با بند شماره نه و برخلاف آن دارای حکم قطعی و الزام‌آور است. نکته دوم این که تعهد ایران در این بند یک تعهد دائمی و مادام‌العمر برای خارج سازی همه سوخت‌های راکتورهای حال و آینده است، لذا تعهدات ایران برای پردازش بیشتر سوخت اتمی در همه نیروگاه‌های آینده دائمی و بدون سقف زمان‌بندی است. همان طور که ملاحظه می‌شود در این بند هم تعهد ایران، یک تعهد دائمی و برای همیشه و همه نسل‌ها و دولت‌های آتی ایران است. در بند ده دولت ایران تعهداتی را الی الابد پذیرفته است. به اعتقاد نگارنده این بند یکی از بدترین تکالیف بار شده بر ملت ایران الی الابد خواهد بود که کرامت سیاسی و اجتماعی ملت ایران را مضمحل و نابود خواهد کرد. سه نکته قابل تأمل وجود دارد اول آنکه آیا یک دولت یا نظام مستقر می‌تواند برای همه تاریخ یک تعهد در حوزه یک بخش اقتصادی صنعتی به دنیا بدهد. دوم آنکه چنانچه شرایط ژئوپولیتیک و صف‌بندی سیاسی منطقه‌ای به گونه‌ای تغییر کند که رقابت منطقه‌ای ایران به چنین ظرفیت‌هایی بازفراوری سوخت اتمی دست پیدا کنند، آیا ایران قادر است برای حفظ توازن استراتژیک خود چنین اقدامی را انجام دهد. و سوم این که چرا چنین حکمی به صورت الی الابد برای عدم اعمال مجدد تحریم‌ها دست کم در حوزه اتمی ایران نیامده است.

۷. تحریم‌ها

در حالی که متناسب با تعهدات این سند (برجام) دولت ایران تعهدات اتمی خود را متناسب با ضمیمه شماره دو و جدول زمان‌بندی مندرج در ضمیمه شماره پنج انجام داده بود و فرایندهای روزنهایی شدن و روز تصویب سپری شده بود و آژانس گزارش راستی‌آزمایی خودش را از اقدامات محدودیت‌ساز دولت ایران ارائه و آن را تأیید کرده بود و سند وارد روز اجرا شده بود به یکباره دولت جدید ایالات متحده با نقض آشکار تعهدات متقابل خود از آن خارج شد؛ و هیچ یک از تعهدات اولیه طرف‌های برجامی ایران امکان ظهور و بروز نیافت. این که یکی از طرفین معاهد به هر دلیلی از تعهد خود استنکاف کند و یا از آن خارج شود به ویژه ایالات متحده آمریکا پدیده‌ی جدیدی نبود، چرا که شواهد تجربی فراوانی از نقض تعهدات در پیشینه روابط بین المللی این دسته از کشورها قابل ردیابی بود. تعهدات اتمی ایران به شرح ۸۲ بندی ضمیمه شماره یک این سند بلافاصله از روز اجرای توافق لازم‌الاجرا خواهد شد. لذا انجام تعهدات اتمی ایران مقدم بر تغییر رفتار تحریمی طرف‌های مقابل است. تنظیم تعهدات اتمی ایران در این سند یکی از بی نظیرترین اسناد بین المللی از منظر طراحی و سازماندهی محدودیت‌سازی فعالیت‌های بخشی، در یک کشور و نحوه نظارت بر فعالیت‌های وی و تعبیه مکانیزم دائمی ماشه برای حسن اجرای این تعهدات است. یکی از مهم‌ترین نقاط ضعف این سند عدم توازن اقدامات گام به گام طرفین در ایفای تعهدات خود است. که این موضوع نیز از دیگر موارد اضمحلال کرامت ملت ایران می‌باشد. نخست آن که لازم بود با شروع برخی از تعهدات ایران به طور همزمان برخی از تعهدات تحریمی طرف‌های مقابل رفع (Lift) می‌شد و دوم آن که در خلال اجرای برجام به تدریج برخی از

تحریم‌های ایران از حالت رفع به حالت لغو یا خاتمه (Remove or Terminate) تغییر جایگاه می‌یافت. بر پایه محتویات کنونی این سند (برجام) همه تحریم‌های ایران تا واپسین روزهای این سند (برجام) به صورت معلق باقی مانده‌اند و امکان بازگشت همه آنها وجود دارد. البته، تعهدات ایران در این سند در برخی از مواقع دائمی است و نمی‌توان روز پایانی برای آن متصور بود. نکته بسیار تعیین کننده دیگر در آخرین جمله یا پاراگراف این سند آمده است. در پاراگراف انتهایی آمده است که این سند (برجام) موجب تغییر جایگاه ایران در تحریم‌های اتحادیه اروپا نیست (دلخوش، ۱۳۹۹: ۷۰). نکته اساسی دیگر در حوزه رفع تحریم‌های ایران این است که در بند سه از ضمیمه شماره دو آمده است که فعالیت‌های اقتصادی ناشی از رفع یا برداشتن تحریم‌ها از روز اجرا مجاز خواهند بود، مشروط بر آنکه اولاً این فعالیت‌های اقتصادی نباید با مقررات جاری اتحادیه اروپا ناسازگار باشد و ثانیاً این فعالیت‌ها به شرطی مجاز و عملیاتی خواهد بود که در مورد آنها در جایی دیگر تصریح نشده باشد. چنین شروط عجیبی در متن رفتارهای تحریمی شورای امنیت سازمان ملل هم قابل ردیابی است. طبق برجام، قطعنامه‌های هفتگانه شورای امنیت در روز تصویب با صدور قطعنامه جدید خاتمه خواهند یافت و محدودیت‌های جدیدی وضع و اعمال خواهند شد. طبق بند ۱۸ ضمیمه ۵ کلیه قطعنامه‌های پیشین قابلیت تحمیل مجدد (Re-Imposing) خواهند داشت و در روز نهایی شدن این سند در صورتی قطعنامه‌های هفتگانه گذشته خاتمه خواهند یافت که قبلاً و در خلال اجرای برجام مجدداً اعمال نشده باشند (Subject to Re- Imposing).

۸. بازرسی طبق پادمان و ان پی تی

هر کشوری که تحت بازرسی‌های آژانس قرار دارد باید مکان‌های مربوط به فعالیت‌های اتمی خود را به این سازمان اعلام کند تا مأموران این سازمان برای اطمینان از صلح آمیز بودن فعالیت‌های کشور مذکور به محل‌های اعلامی به صورت فیزیکی مراجعه نموده و تجهیزات آن محل‌ها را بررسی و بازرسی نمایند. راه دیگر این است که کشور مذکور مدارک و مستندات از محل مورد مناقشه را برای آژانس ارسال نماید که در این صورت بازرسان آژانس بدون حضور فیزیکی در محل و صرفاً با مطالعه اسناد مربوطه رای خود را در مورد صلح آمیز بودن و یا نبودن فعالیت‌های اتمی کشور مورد نظر صادر می‌کنند. حال اگر قرار است بازرسی‌ها طبق NPT انجام شود، چرا ایران باید از سایر حقوق خود در NPT محروم بماند. معاهده NPT در ماده اول بند ۴ خود این گونه تبیین کرده است: "این معاهده هیچ‌گونه محدودیتی در مورد نوع فن آوری و سطح بهره برداری صلح آمیز از انرژی اتمی، از جمله چرخه سوخت شامل غنی‌سازی، برای هیچ کشوری ایجاد نکرده است." بنابراین حق قانونی در موضوع اتمی را که خط قرمز ایران در هر نوع مذاکره‌ای نیز به شمار می‌رود می‌توان امکان برخورداری بدون محدودیت از برنامه صلح آمیز اتمی طبق معاهده NPT تعریف کرد که البته این حق در برجام دیده نشده است.

نتیجه

انعقاد معاهدات در نظام عدم اشاعه هر چند که در بسیاری موارد بر خلاف انصاف و یا منافع واقعی ملت‌ها بود، اما نمی‌توان آن را بر خلاف حقوق بین الملل تصور نمود. حتی دیوان بین المللی دادگستری در نظریه مشورتی خود نیز نتوانست دلیلی خلاف این موضوع پیدا کند هر چند در مورد میزان موفقیت و کارایی معاهدات در جلوگیری از گسترش تسلیحات اتمی بحث‌های فراوانی وجود دارد. علی رغم معاهده عدم گسترش تسلیحات اتمی، بخش‌های مربوط به آن که به راحتی قابل درک بوده و به درستی می‌توان تطابق اقدامات انجام شده با حقوق بین الملل را دریافت نمود، اما در موضوعات مربوط به حق کشورها در دسترسی به فن آوری‌های اتمی به عنوان نمادی برای پیشرفت قرار گرفته، تحلیل و نتیجه‌گیری مشکل و پیچیده است. هنجارهای بین المللی همه انواع کاربردهای صلح آمیز انرژی اتمی از جمله غنی سازی اورانیم، بازفرآوری و سایر فعالیت‌های حساس تولید سوخت اتمی را شناسایی کرده است. با دستیابی جمهوری اسلامی ایران، به فن آوری غنی سازی، تلاش‌ها برای محدود کردن دستیابی سایر دولت به این فن آوری بیشتر شده است. به تعبیر دیگر می‌توان گفت موضوع اتمی ایران مسأله غنی‌سازی را در کانون توجه کشورهای غربی قرار داده است. استفاده صلح‌آمیز از انرژی اتمی از موارد روشن معاهده منع گسترش تسلیحات اتمی می‌باشد، اما آنچه در عمل از ایران خواسته شد، توقف هرگونه فعالیت در حوزه انرژی اتمی است. با پذیرش پروتکل الحاقی مدل حجم وسیعی از اطلاعات، در دست بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار

گرفت، استقلال و حاکمیت دولت جمهوری اسلامی ایران را در خاک خود مورد تعرض و کرامت سیاسی اجتماعی ملت ایران را مضمحل خواهد کرد. حال اینکه که هیچ مانع و عامل بازدارنده و قانع‌کننده‌ای برای عدم افشای اطلاعات از طریق بازرسان آژانس وجود ندارد که نمونه بارز آن می‌توان به افشای اطلاعات پروژه پلوتونیوم ایران توسط بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در ژوئن ۲۰۰۵ اشاره کرد. ماده چهار آن پی‌تی، در مورد انتقال تکنولوژی اتمی برای مقاصد صلح‌آمیز، تدوین شده است. بخش اول ماده حق غیرقابل تفویض و لاینفک دولت‌ها در بهره‌مندی از تحقیقات تولید و استفاده از انرژی اتمی برای مقاصد صلح‌آمیز را تأیید می‌کند. برجام مهم‌ترین متغیر خارج از مدل‌ها و محاسبات اقتصادی و اجتماعی است که بالاترین تأثیر و گران‌ترین نتایج را بر حیات سیاسی و اقتصادی ایران از خود باقی گذاشته و خواهد گذاشت. نکته بسیار مهم در تدوین و مذاکره برجام این است که از همه ظرفیت‌ها و توان کارشناسی فنی و حقوقی کشور در این حوزه استفاده نشد. در تدوین این سند از تجربیات مذاکرات پیشین کشور و مذاکرات مشابه در سطح بین‌المللی استفاده نشد. زمانی که به پرونده‌های مشابه گذشته در حوزه‌های مذاکرات بین‌المللی با قدرت‌های جهانی نگاه کنیم و یا به تجربیات سایر کشورها در حوزه اتمی به ویژه با ایالات متحده آمریکا مراجعه کنیم، متوجه می‌شویم که به شیوه بهتری می‌شد مذاکرات را انجام داد و پیشگیری از برخی از کاستی‌های مذاکرات قبلی بهره برد. طبق برجام، بر ایران تعهدات گسترده‌ای در مورد تحقیق و توسعه و نظام بازرسی‌ها، تعهدات سنگینی را در مورد راکتور آب سنگین اراک و باز فراوری اورانیوم، تعهدات گسترده‌ای در مورد اقدامات شفاف‌سازی و اعتماد ساز بین‌المللی و تحقیق و توسعه بر روی ماشین‌های سانتریفیوژ و تحقیق و توسعه در مبحث جداسازی اتمی، بار می‌شود که عیناً در تضاد با مفاد ماده ۴ آن پی‌تی و حق مسلم کشورها در دسترسی به فن‌آوری اتمی و مزایای آن می‌باشد. با اعمال موانعی به ظاهر حقوقی برای ممانعت از دستیابی کشورها به فن‌آوری اتمی، روشن است که در رویکرد جدید، کشورها از دستیابی به فن‌آوری اتمی نه تنها به دلایل نظامی بلکه جهت تفوق و برتری اقتصادی و استراتژیک منع شده‌اند. موارد اشاره شده در این نوشتار چه در حوزه تحریم‌ها و چه در سایر حوزه‌های تحقیقاتی علمی و سیاسی، تنها برخی از ممنوعیت‌ها و محدودیت‌های برجام بود که صرفاً در ارتباط مستقیم با بند ۴ آن پی‌تی بررسی گردید. در این میان کرامت سیاسی و اجتماعی ملت ایران علی‌رغم دستورات اکید اسلام در خصوص نفی سلطه بیگانگان و تحمیل نظرات و خواسته‌های آنان بر ملت مسلمان ایران متأسفانه، دستخوش بازیگران فراملی شد که نتایجی بسیار نامبارک را به همراه داشته است. لذا؛ پیشنهاد می‌گردد که، جمهوری اسلامی ایران ضمن منظور اکید نظر قراردادن قاعده نفی سیل و کاربست نظرات و آرای دانشمندان و متفکرین ایرانی، مدل مشخصی از پروتکل الحاقی با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی امضا نماید که ملاحظات امنیتی و منافع ملی و اعتقادی مورد نظر اسلام در این پروتکل محفوظ باشد. ایران می‌تواند پروتکل الحاقی همانند پنج کشور اتمی جهان و یا مدل ۲۷ کشور اروپایی را مورد بررسی قرار داد یا همانند کشور هند، دسترسی‌های محدودی را طی امضای پروتکل جداگانه با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی امضاء برساند و یا اینکه هرگونه اجازه بازرسی‌های آژانس را منوط به امضاء و اجرای مفاد معاهده منع گسترش تسلیحات اتمی به خصوص ماده چهار این معاهده توسط قدرت‌های اتمی بنماید. فرصت تحقیق و بررسی سایر موازین و مفاد برجام بر سایر محققین گشوده است، لذا انتظار می‌رود در راستای شفاف‌سازی و تنویر افکار عمومی و خصوصاً حقوقدانان ارجمند، حتماً موارد باقی مانده مذکور بررسی و تبیین موضوعی گردد.

منابع:

۱. ارسنجانی، حسن (۱۳۸۵). *حاکمیت دولت‌ها*. تهران: سمت.
۲. اسیری، مصطفی؛ حبیبی، همایون؛ موسوی زنوز، موسی (۱۳۹۸). تأثیر برجام بر روشهای حل و فصل اختلافات هسته‌ای ایران و کشورهای ۵+۱. *فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*. ۹ (۴)، ۲۸۳-۳۰۹.
۳. افتخار جهرمی، گودرز (۱۳۷۳). دیوان داوری دعاوی - ایران ایالات متحده و عملکرد آن در قلمرو حقوق بین‌الملل. *تحقیقات حقوقی*. ۱ (۱۵)، ۱۴۱-۵۵.
۴. امیری قائم مقامی، عبدالحمید (۱۳۸۰). *حقوق تعهدات و نظریه کلی تعهدات*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۵. دلخوش، علیرضا (۱۳۹۹). برجام و پسابرجام از دیدگاه حقوق بین‌الملل. *فصلنامه سیاست خارجی*. ۳۲ (۱)، ۵۱-۷۳.
۶. سبجانی، جعفر (۱۳۷۵). *مبانی حکومت اسلامی*. اصفهان: کتابخانه امیرالمومنین (ع).

۷. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۸). *حقوق معاهدات بین‌المللی و دیپلماسی در اسلام*. تهران: سمت.
۸. قرشی، سیدیوسف (۱۳۹۵). واشکافی قطعنامه‌های شورای امنیت ناظر به کره شمالی. *فصلنامه علمی پژوهشی سیاست جهانی*. ۵ (۲)، ۱۰۷-۱۴۵.
۹. محبی، محسن (۱۳۹۷). *بیانیه‌های الجزایر*. تهران: نشر خیام.
۱۰. منصوری جواد (۱۳۹۷). *بدعهدی آمریکا به ایران در بیانیه‌های الجزایر*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۱. نقش بندی، عقیل و دیگران (۱۳۹۹). پیامدهای سیاسی و اقتصادی خروج آمریکا از برجام برای ایران در دوره ترامپ و آغاز دوره بایدن. *فصلنامه مطالعات بین‌المللی*. ۱۷ (۳)، ۱۵۷-۱۷۶.

References

1. Amid Zanjani, A.A. (2009). *Laws of International Treaties and Diplomacy in Islam*. Tehran: Samt. (In Persian)
2. Amiri Qaem Maqami, A. H. (2001). *The Law of Obligations and the General Theory of Obligations*. Tehran: Tehran University Press. (In Persian)
3. Arsanjani, H. (2015). *Sovereignty of Governments*. Tehran: Samt. (In Persian)
4. Asiri, M.; Habibi, H. & Mousavi, Z. M. (2018). The effect of the JCPOA on the nuclear dispute resolution methods of Iran and the 5+1 countries. *Islamic World Political Research Quarterly*. 9 (4), 283-309. (In Persian)
5. Bukharin, O. (2013). More transparency needed. *Bulletin of the Atomic Scientists*. 59 (2), 25-26.
6. Bunn, M. & Newman, A. (2018). *Preventing Nuclear Terrorism: An Agenda for the Next President*. Harvard: Belfour Center.
7. Bun, G. & Rhineland, J. (2015). The right to withdraw from the NPT. *Disarmament Diplomacy*. 10 (1-2), 20-29.
8. Canrong, G. (2011). The U.S. global strategy in the post-cold war era and its implications for China-United States relation: A Chinese perspective. *Journal on the Contemporary China*. 10 (27), 309-315.
9. Carter, K. (2018). *New Crimes Against Peace the Application of International Humanitarian Law Compliance and Enforcement Mechanisms to Arms Control and Disarmament Treaties*. London: Kluwer Law International.
10. Delkhosh, A. (2019). JCPOA and post-JCPOA from the point of view of international law. *Foreign Policy Quarterly*. 32 (1), 51-73. (In Persian)
11. Diamond, J. (2011). *Bush Putting U.S. above Global Cooperation. Exceptionally Bumps Isolationism*. New York: Chicago Tribune.
12. Eftekhar Jahormi, G. (2012). The United States Iran-Iran claims arbitration court and its performance in the realm of international law, *Journal of Law Researches*. 1 (15), 55-141. (In Persian)
13. Elliot, J. And regrind, R. (2019). "The Arms Control Disarmament and Military Security dictionary", *London: Oxford, Clio Press Ltd*.
14. Freestone, D. (2012). *Contemporary Issues in International Law: A Collection of the Josephine Ohno Memorial Lectures*. New York: Springer.
15. Fuhrmann, M. (2017). Making 1540 work: Achieving universal compliance with nonproliferation export control standards. *World Affairs*. 169 (3), 143-152.
16. Glenn S. (2018). *Deterrence and Defense: Toward a Theory of National Security*. London: Princeton University Press.

17. Gol blat, J. (2022). *Arms Control: The New Guide to Negotiations and Agreements*. London: SAGE Pub.
18. Greg, M. (2021) "New bomb, no mission" *Bulletin of Atomic scientist*. 53, 28-32.
19. Kenneth, W. (2014). *Theory of International Politics*, Reading. MA. Addison: Addison.
20. Mansouri, J. (2017). *America's Disloyalty to Iran in Algerian Statements*. Tehran: Islamic Revolution Documentation Center. (In Persian)
21. Mohebi, M. (2017). *Algerian Statements*. Tehran: Khayyam Publishing. (In Persian)
22. Naqshbandi, A. et al (2019). Political and economic consequences of America's withdrawal from the JCPOA for Iran in the Trump era and the beginning of the "Biden" era. *International Studies Quarterly*. 17 (3), 157-176. (In Persian)
23. Qureshi, S. Y. (2015). The differences between the resolutions of the Security Council regarding North Korea. *Scientific Research Quarterly of Foreign Policy*, 5 (2), 107-145. (In Persian)
24. Sobhani, J. (1996). *Fundamentals of Islamic Government*. Isfahan: Amir al-Momenin (PU) library. (In Persian)
25. Talmon, S. (2020). The security council as a world legislature. *The American Journal of International Law*. 99 (1), 175-193.
26. William O.; Eugene, R. & Fidel, D. (2021). International relations and nuclear commerce: Developments in United States policy. *Law and Policy in International Business*. 8 (1), 101-130.